

تاریخ پیدایش تشیع در سیستان

حلیمه رضایی^۱

^۱ کارشناسی ارشد تاریخ تشیع دانشگاه پیام نور مشهد

نام و نشانی ایمیل نویسنده مسئول:

حلیمه رضایی

چکیده

مذهب «شیعه» از همان آغاز شکل گیری با فراز و نشیبهای فراوانی روبه رو بوده است. قدرتهای حاکم همیشه در پی سرکوب پیروان این مذهب بوده و در راه گسترش آموزه های آن، موانع بی شماری پدید آورده اند. تا اینکه پس از چندی تشیع به صورت مذهب عمومی و رسمی ایرانیان درآمد. هدف از این رساله، بررسی چگونگی ورود و گسترش مذهب تشیع در سیستان و همچنین علل گرایش مردم به این مذهب می باشد و رسیدن به این پاسخ که تشیع در چه زمانی وارد سیستان گردید؟ روش استفاده شده در این رساله کتابخانه ای، تحلیلی و مکتوب می باشد. در مقام پاسخ به سوال فوق فرضیه این می باشد که تشیع در قرن نهم (عصر صفویان) در سیستان ورود و اشاعه پیدا کرده است. نتیجه فرضیه نشان می دهد که مذهب تشیع در نیمه اول قرن نهم وارد سیستان گردید.

واژگان کلیدی: پیدایش، اسلام، تشیع، سیستان

مقدمه

تشیع به معنای صحیح و معروف آن - یعنی اعتقاد به انتخاب حضرت علی (علیه السلام) به عنوان رهبری امت اسلامی جهت تکمیل دینی که پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) خود عهده دار آن بوده است - از همان مراحل نخستین، با اسلام همراه و همگام بوده و جزئی از رسالتی است که پیامبر گرامی (صلی الله علیه وآله) بدان مأمور گردیده است. این اعتقاد از متن اسلام و نیز نصوص رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) الهام گرفته است. مجاهدتهای مخلصانه ای که آن بزرگوار در استقرار اسلام و انتشار آن در همه پهنه گیتی به عمل آورد و فداکاری و از خودگذشتگی آن حضرت در برابر همه سختیها و مشکلاتی که در این راه وجود داشت به دلیل عظمت این پیام آسمانی بود.

یکی از نویسندگان معاصر می نویسد: «گراف نیست اگر بگوییم دعوت به تشیع از همان روزی آغاز شد که رهایی بخش بزرگ انسانها، محمد (صلی الله علیه وآله)، در همان روز، بانگ و آواز کلمه "لا اله الا الله" در دره ها و کوههای مکه برآورد؛ زیرا وقتی آیه "وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ" نازل شد و نبی اکرم بنی هاشم را گردآورد و به آنها هشدار داد و دل آنان را از خدا بیمناک ساخت و فرمود: "اِيَكُم يَؤَاوِرُنِي لِيَكُونَ أَخِي وَ وَارِثِي وَ وَزِيرِي وَ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي فَيَكُم بَعْدِي؟" چه کسی از شما مرا یاری می کند تا پس از من برادرم و وارثم و وزیرم و وصیم و خلیفه ام در میان شما باشد، هیچ یک از حاضران به درخواست آن حضرت، جز علی المرتضی (علیه السلام) پاسخ مثبت نداد. رسول خدا (صلی الله علیه وآله) به آنها فرمود: "هذا أَخِي وَ وَارِثِي وَ وَزِيرِي وَ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي فَيَكُم بَعْدِي فَاسْمَعُوا لَهُ وَ اطِيعُوا" این (علی علیه السلام) برادر و وارث و وزیر و وصی و جانشین من در میان شما پس از من است، سخنان او را بشنوید و فرمان او را اطاعت کنید. بنابراین، دعوت به تشیع و پیروی از ابوالحسن، علی (علیه السلام)، از سوی صاحب رسالت همگام و همزمان با دعوت به شهادتین صورت پذیرفته است. به همین جهت، ابوذر غفاری شیعه علی بود و باید او را چهارمین یا ششمین فردی به شمار آورد که به اسلام سبقت جست.

علامه شرف الدین می گوید: توجه شیعه امامیه همیشه در اصول دین و فروع آن به عترت طاهره (علیهم السلام) بوده است و رأی آنان همیشه در فروع و اصول مطابق رأی ائمه اطهار (علیهم السلام) بوده است.

سیستان در جلگه ای پست و هموار، در انتهای مرزهای شرقی ایران قرار دارد و از گذشته های دور، مهد خاستگاه تمدنی اصیل و فرهنگی غنی بوده و تا امروز آثاری بزرگ و باشکوه پدید آورده است.

اما همین سرزمین متمدن، امروز اقتصادی کساد و سطح پایین دارد و سطح معیشت مردم آن حتی از استاندارد های زندگی در خاور میانه بسیار پایین تر است.

سیستان در دوره ی اسلامی ولایتی پرنعمت و پیشرفته بوده و در سطح فکری و فرهنگی دانشمندان و نویسندگانی در دامان خویش پرورده که به غنای تمدن اسلامی مشرق ایران کمک شایانی کرده است.

آنچه من در این مختصر به آن پرداخته ام، حاصل بررسی ها و مطالعات و مشاهدات عینی اینجانب در این استان پهناور است و سعی نموده ام چگونگی ورود و بسط و گسترش تشیع در این استان را که همجوار بلوچستان است و به عنوان دو قطب مخالف شیعه و سنی که به طور مسالمت آمیز در کنار یکدیگر زندگی میکنند مورد مطالعه قرار دهم. امید است که مورد توجه قرار گیرد.

بیان مساله :

دین در گذشته و حال، یکی از عناصر اصلی بسیاری از جوامع بوده و هست. در چنین جوامعی مردم سخت به دین پای بند بوده و برای اعتلای آن از جان و مال و همه هستی خود می گذرند؛ زیرا دین و عقیده خود را برتر از هر چیز می دانند. این عمل که به مقتضای مصلحت افراد جامعه است، مورد تأیید عقل نیز هست. البته این گرایش در جوامع و افراد مختلف به دلیل عوارضی که بر آنها حاکم می شود شدت و ضعف دارد و در نتیجه حساسیت هر جامعه و فردی نسبت به دین و اعتقادات تفاوت دارد. یکی از انگیزه های قوی که این حالت طبیعی را (هر چند در ظاهر) خاموش می گرداند، قدرت طلبی است.

با نگرشی به زندگی صاحبان قدرت، مشخص می گردد که معمولاً زندگی آنان قبل از حاکمیت و بعد از آن و نیز زندگی آنان در آغاز حاکمیت با زندگی شان در پایان حاکمیت، تا چه اندازه در نوسان بوده است؛ قبل از رسیدن به حکومت چه انگیزه هایی داشته اند و در پایان قدرت مندی، چه انگیزه هایی در آنان نهفته است و دست به چه اعمالی می زنند. معمولاً در جوامعی که دین نقش اصلی را دارد، قدرت طلبها برای کسب یا استمرار قدرت از انگیزه ها و احساسات دینی بهره برداری می کنند، مگر در مواردی که نیازی به تظاهر به دین نباشد.

در قرن هفتم هجری، گردباد بزرگی سرزمین های اسلامی را درنوردید و می رفت که فرهنگ و دین مسلمانان را با خطر نابودی مواجه کند؛ چرا که قوم مغول با رفتاری جنایت آمیز و بی رحمانه به هر شهر و دیاری می تاختند و آن را غارت می کردند. در این حال، با همت گروه ها و اصنافی از مردم، این سیل بنیان کن رام شد و نه تنها خسارت ها جبران گردید، بلکه زمینه ای برای تقویت و بستر سازی

گرایش مردم به تشیع فراهم گردید و برای مدتی کوتاه مذهب تشیع در ایران رسمی گردید و مقدمه‌ای برای دوران صفویه شد تا ایرانیان آمادگی پذیرش آن را داشته باشند.

شیعیان نیز با پشت‌سر گذاشتن دوران‌های متفاوتی، روز به روز بر قدرت و تجربه خویش افزودند تا در نهایت با انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) زمینه ساز حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله فرجه) شوند. این پژوهش در دو بخش تدوین شده است. در بخش اول به طور اجمالی با روند پیدایش مذهب تشیع آشنا می‌شویم. در اهمیت و ضرورت انجام تحقیق

اندیشمندان درباره آغاز پیدایش تشیع، نظرهای متفاوتی دارند که آن را به طور کلی به دو دسته می‌توان تقسیم کرد:
الف) نویسندگان و پژوهشگرانی که می‌گویند تشیع پس از رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) ایجاد شده است. اینان خود چند دسته اند:

۱- گروهی می‌گویند تشیع در روز سقیفه پدید آمده است، همان روزی که گروهی از بزرگان صحابه با صراحت گفتند: علی (علیه السلام) اولی به امامت و خلافت است. [۱]
۲- دسته دوم، پیدایش شیعه را به اواخر خلافت عثمان مربوط میدانند و انتشار آرای عبدالله بن سبا در این زمان را به پیدایش تشیع ربط می‌دهند. [۲]

۳- گروه دیگری معتقدند شیعه در روز فتنه الدار (روز قتل خلیفه سوم) پدید آمده است. پس از این روز، پیروان علی (علیه السلام) که همان شیعیان بودند، در مقابل خونخواهان عثمان (عثمانیان) قرار گرفتند. ابن ندیم مینویسد: «وقتی طلحه و زبیر با علی (علیه السلام) مخالفت کردند و جز به خونخواهی عثمان به چیزی دیگر قانع نشدند، علی خواست با آنها بجنگد تا سر به فرمان حق نهند. آن روز، کسانی را که از او پیروی کردند، به نام شیعه خواندند و او خود نیز به آنها می‌گفت: شیعیان من.» [۳] ابن عبد ربه اندلسی نیز می‌گوید: «شیعیان کسانی هستند که علی را بر عثمان تفضیل دادند.» [۴]

۴- دسته چهارم معتقدند که تشیع پس از ماجرای حکمیت تا شهادت علی (علیه السلام) به وجود آمده است.
۵- دسته پنجم نیز آغاز تشیع را به واقعه کربلا و شهادت امام حسین (علیه السلام) ربط می‌دهند.
ب) در مقابل اینها، پژوهشگرانی معتقدند که تشیع در عصر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ریشه دارد. از میان دانشمندان شیعه، مرحوم کاشف الغطاء، [۵] شیخ محمدحسین مظفر، محمدحسین زین عاملی [۶] و از میان علمای اهل سنت، محمد کرد علی می‌گویند: شماری از صحابه در عصر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به شیعه علی معروف [۷] بودند.

ابن ابی الحدید می‌گوید: «منظور از شیعه که در روایات متعدد، به آنان وعده بهشت داده شده است، کسانی هستند که به برتری علی (علیه السلام) بر همه خلق قایل هستند. بدینگونه، عالمان معتزلی ما در تصانیف و کتابهایشان نوشته‌اند: در حقیقت ما شیعه هستیم و این حرف اقرب به سلامت و شبهه به حق است.» ابن حجر هیثمی نیز در کتاب «الصواعق المحرقة فی الرد علی اهل البدع و الزندقه» هنگام نقل این احادیث گفته است: «منظور از شیعه در این احادیث، شیعیان نیستند، بلکه منظور، خاندان و دوستداران علی هستند که مبتلا به بدعت سب اصحاب نشوند»

مرحوم مظفر در پاسخ او می‌گوید: «عجیب است که ابن حجر گمان کرده، مراد از شیعه در این جا اهل سنت هستند! و من نمیدانم این به دلیل مترادف بودن دو لفظ شیعه و سنی است یا به این دلیل که این دو فرقه یکی هستند یا اهل سنت بیشتر از شیعیان، از خاندان پیامبر پیروی کرده‌اند و آنان را دوست میدانند؟» [۸] مرحوم کاشف الغطاء نیز می‌گوید: «با نسبت دادن لفظ شیعه به علی (علیه السلام) میتوان مراد را فهمید؛ زیرا غیر از این صنف، شیعه دیگران هستند.» [۹]

بخش دوم نیز عوامل گرایش ایرانیان به تشیع ذکر می‌شود جغرافیای تاریخی و آب و هوایی سیستان

سرزمینی با وسعت ۷۰۰۷ مایل، دارای آب فراوان (به علت خشکسالی‌های متوالی حجم آب بسیار پایین آمده و دریاچه هامون کاملاً خشک شده است) و خاک آبرفتی و از مناطق بسیار حاصلخیز ایران است. سیستان به انبار غله ایران معروف بوده وجود ویرانه‌های فراوان شهرها و روستاها در این منطقه اثباتی است بر این مدعا^[۱] سیستان را به سه نوع تقسیم کرده اند:

۱. **سیستان کهن و باستان**: شامل مرکز تمام مناطق شرق فلات ایران، نیمه جنوبی و شرقی افغانستان کنونی، مناطق شمال پاکستان، کشمیر و همچنین طبق متون تاریخی، در دوران باستان، منطقه تبت درادوار طولانی متعلق به فتوحات امیران و حکام سیستانی بوده‌است.

۲. **سیستان اصلی و محدود**: شامل نیمه جنوبی افغانستان، منطقه چمن و ارتفاعات آن در پاکستان، مثلث شمال غرب بلوچستان پاکستان و سیستان ایران = زهک، جزینک، زابل، ادیمی، محمدآباد، بنجار، شهر جدید رامشار، لوتک، و...

۳. **سیستان رسمی**: که بعد از عهد نامه پاریس به دو بخش سیستان ایران و سیستان افغانستان تقسیم شده است؛ که ولایات هلمند، نیمروز و جنوب ولایت فراه جزو سیستان افغانستان و شهرستانهای زابل، نهبندان و توابعشان و شرق کویر کرمان جزو سیستان ایران محسوب می‌شوند.

زبان و خاستگاه آن

زبان سیستانی یکی از گونه های مهم زبان فارسی است که مردم سیستان بدان تکلم می‌کنند. این زبان هم اکنون به صورت عمده در منطقه سیستان ایران، نیمروز و فراه افغانستان، سرخس ایران، ترکمنستان و دشت گرگان جاری می‌باشد. این زبان از یک سو بیشترین خویشاوندی واژگانی و دستوری را با گویش موجود و گذشته خراسانی و فراتر از آن با لهجه‌های مرده ماوراءالنهری و تاجیکی کنونی دارد و از سوی دیگر واژه‌های مشترک بسیار با زبان بلوچی دارد که با توجه به پیوندهای تاریخی و پیوستگی‌های جغرافیایی و مهاجرت‌های قومی و خویشاوندی طایفه‌ای، امری طبیعی می‌باشد. زبان سیستانی از زبان های وابسته به زبان‌های ایرانی غربی و از شاخه جنوبی آن است که به گروه زبانهای هندوایرانی تعلق دارند. دکتر محمد معین در مقدمه کتاب برهان قاطع، گویش‌های سگری و زاولی را زیرمجموعه زبانهای ایرانی قید کرده‌است.

نوشتار

زبان سیستانی هیچگاه یک زبان نوشتاری نبوده‌است، پس اثر مکتوبی که مستقلاً متعلق به زبان سیستانی باشد نیز وجود ندارد. در میان کتب ادبی به نوشتار سیستانی در صده اخیر نیز ناهماهنگی‌های بارزی در رسم الخط سیستانی به چشم می‌خورد. تلاش‌های اخیری که برای یکپارچه سازی رسم الخط سیستانی انجام شده‌است تاکنون با بی اقبالی مواجه شده‌است.

سیستان و تاریخ آن

برای آگاهی از تاریخ سیستان قبل و بعد از اسلام، گذشته از بعضی نکات که در تواریخ آمده، از دو منبع مهم سخن می‌داریم که هر دو هم به نام «تاریخ سیستان» است:

یکی «تاریخ سیستان» از مؤلفی گمنام که در سالهای بین ۴۴۵ تا ۷۲۵ قمری می‌زیسته، و آن را تألیف کرده، و توسط مرحوم ملک الشعراء تصحیح و چاپ شده و ما از چاپ دوم آن به سال ۱۳۸۲ شمسی نام می‌بریم و نقل می‌کنیم که اولین اثر جالب و پرمایه در شناخت تاریخ و جغرافیای سیستان است.

و دوم «تاریخ سیستان» تألیف ادموند کلیفور بارسو ترجمه نویسنده محقق آقای حسن انوشه است.

از تاریخ اول به نام تاریخ قدیم سیستان یا به اختصار «تاریخ سیستان» نام بریم؛ و از تاریخ دوم به عنوان «ترجمه تاریخ سیستان» یاد می‌کنیم پس به اجمال می‌گوییم:

بنای سیستان را بر دست گرشاسب دانسته‌اند که دانایان را گرد آورد و گفت شهری بنا خواهیم کرد که پناه گاه آزادگان باشد. در طول تاریخ نیز سیستان چنین بوده است. در کتابچه «سیستان» یا مدینه العذاری ایران تحت عنوان «سیستان و گسترش دین توحیدی» نوشته است: «بر پایه مستندات تاریخی، مردم سیستان در حمایت و پیروی از ادیان الهی همواره راسخ و ثابت قدم بودند. ساکنان این سامان از گرشاسب گذشته تا فرامرز بن رستم همه بر این طریقه بودند که آدم (ع) آورده بود. بامداد و به وقت زوال و شبانگاه نماز می‌خواندند و پرستش یکتا می‌کردند. زنا و لواط و خون ناحق میانشان حرام بود... آنچه حرام است نمی‌خوردند و صدقه بسیار می‌دادند و همیشه مهربان بودند و میهمان را نیکو داشته و این همه جمله ای از فرایض می‌دانستند.»

چنان که از نظم و نثر تاریخ ایران زمین مشهود است، بیشتر شهرت سیستان از زمانی بوده که رستم دستان از زابلستان برخاست و در راه حفظ و بزرگداشت ایران آن قهرمانی‌ها ابراز داشت. از زمان رستم به بعد نیز سخن از دلیر مردان سیستان در میان بوده، و حتی سیستان را که از واژه «سیو» و «استان» بوده گفته‌اند که «سیو» به معنی مردان مرد، یا مرد مردان است.

مردم

افتخارات مردم سیستان

به نوشته «واسیلی بارتولد» مؤلف تذکره جغرافیای تاریخی ایران، بیش تر دانشمندان بر این باورند که مردم سیستان، اصیل ترین ایرانیان و نمونه بارز نژاد آریایی هستند که بهتر از سایر اقلیمهای جغرافیایی ایران، زبان و ویژگیهای ایرانیان دوره های تاریخی را حفظ کرده اند و معتقد است که مردم سیستان، هزاران سال پیش، نخستین دولتهای سازمان یافته آریایی را در فلات ایران پدید آورده‌اند. این حوزه فرهنگی - تاریخی که به گاهواره فرهنگ ایران زمین نام برداراست در زمان داریوش هخامنشی، ازسوی بطلمیوس، آریاپولیس نام گرفته که بیانگر یک یازکانونهای بزرگ جمعیتی قوم آریا در سیستان است.

سیستان برخاسته از دل تاریخ، که تمام هنگامه های تاریخی را با سرافرازی پشت سر دارد. از منظر تاریخی، اساطیر ملی و حماسی نیز سزاوار شایستگی است.

سیستان خاستگاه نخستین تمدنهای پیشرفته بشری، کانون اجتماعات شهرنشینی، پل ارتباط آسیای غرب با مناطق هندوچین، و معبر کاروانهای تجاری بوده است. شهر سوخته با ۵ هزار سال دیرینگی، بهترین مرکز شهرنشینی در عصر مفرغ، و ترکیب زیبایی از خلایق، فراست صنعت و فرهنگ گذشته، دهانه غلامان (یا دروازه بردگان)، نمونه معماری موفق یک شهر هخامنشی، کوه خواجه، دژ سنگی و استوار برآمده از درون هزاران رمز و راز تاریخ اشکانی، ساسانی و هنر و تمدن و فرهنگ ایران باستان، زاهدان کهنه یا به قول هنری ساوج؛ لندن آسیا، زبان تصویر گویای هزاره های تاریخ است.

سیستان زادگاه آسیابهای بادی جهان و سهم ایران در شکل گیری زوایای تمدن است.

سیستان گلوگاه هند زرخیز و خاور دور، و مهد رادی و رادمردی در اساطیر پهلوانی پیشینیان بوده است و مورخان، بنای سیستان را به ۴ هزار سال قبل از بعثت پیامبر اکرم(ص) و به دست گرشاسب نوشته اند. سیستانیان از آغاز پادشاهی گرشاسب تا طلوع دین احمدی از بام هدایت اسلام بر طریقت آدم (ع) بوده و نام زیبای دارالولایه، بزرگ ترین افتخار مردم سیستان است. سیستان، انبار غله آسیا، و به لحاظ رصد اقتصادی، از کانونهای اقتصاد آن روزگار است به گونه ای که هروقت مورخ یونانی، مالیات سیستان را در دوره هخامنشی پس از مصر و میان رودان نام می برد.

این جغرافیای اقلیمی در دستگاه خلافت عباسی از چنان اهمیتی برخوردار بود که روزی لیث بن ترسل در برابر انجام خدمتی شایان، از هارون، خلیفه وقت حکومت عباسی شنید که به او گفت: "ای لیث! اینک حکومت مصر را به تو می دهم. اگر در آنجا به نیکویی خدمت نمودی، آنگاه حکومت سیستان را به تو واگذار می کنم تا کارت بالا بگیرد".

در حوزه علوم و حکمت، سیستان چنان جایگاهی دارد که نویسنده تاریخ سیستان می نویسد: "... و علمای بزرگ برخاستند از سیستان، اندر باب فقه و ادب و قرائت چنانکه حرمین شام و عراقین، محتاج ایشان بود و بدین سبب است که بسیاری از پژوهندگان و مورخان، تأثیر فرهنگ دیرینه سیستان، و حوزه فرهنگی هیرمند را بر ایران، و جهان اسلام، و حتی فرهنگ بشری، ژرف و عمیق دانسته اند." میراث مکتوب سیستان، چنان در سرشت فرهنگ غنی ایران اسلامی اثرگذار بوده که بدون تعریف جایگاه دانشمندان، علما، فیلسوفان، شاعران، فقها و حکمت آموختگان سیستان نمی توان حوزه فرهنگ و علوم اسلامی را تصویر کرد و برای اختصار تنها به چند فراز از معرفی اولین ها و برترینهای مشاهیر سیستان اشاره می شود.

یکی از اولین ترجمه های قرآن کریم، به گویش سیستان و با واژه های سیستانی است. این قرآن نفیس که به قرآن قدس زیور نام یافته و به خط کوفی نوشته شده، ترجمه آقای دکتر علی رواقی و پیداشده در گنجینه کتب خطی آستان قدس رضوی است. این افتخار بر سیستانیان مبارک باد که یکی از اولین ترجمه های قرآن کریم به گویش سیستانی است. اولین پهلوان حماسی ایران، و پاسدار فرهنگ و رادمردی ایرانیان، رستم، فرزند زال، فرزند سام، فرزند نریمان، در شاهنامه ارجمند فردوسی از سیستان گزیده شده است. یعقوب لیث صفاری نخستین شهريار ایران پس از اسلام و احیاگر زبان و ادبیات و استقلال ایران، از سیستان برخاسته است. رابعه بنت کعب قرداری، نخستین شاعره پارسی گوی ایران سیستانی است. ام سلمه سجستانی نوه ابی داود سجستانی از محدثین اسلام و از اولین زنان محدثه سیستانی است. ابوسلیمان سجستانی، فیلسوف سده چهارم هجری و از مفاخر ایران و جهان در انتشار میراث فرهنگی اسلامی، زادگاه وی، سیستان است. ابویعقوب سجستانی، نویسنده کهن ترین کتاب نثر پارسی دری، یعنی کشف المحجوب زاده سیستان است. حزیز بن عبدالله سجزی، از اولین فقهای جهان تشیع و از شاگردان حضرت امام جعفر صادق برخاسته از سیستان است. خلف بن احمد صفاری، نخستین کسی که به دستور وی در قبال یکصد هزار سکه زر، قرآن خطی نوشته و طراحی شده، زاده همین سرزمین ولایت مدار است.

محمدبن وصیف سگری، اولین شاعر شعر مکتوب فارسی در نیمه اول قرن سوم هجری و پایه گذار شعر پارسی دری از افتخارات همین سرزمین است. اولین قوانین بیمه های اجتماعی رایگان در سیستان، توسط یعقوب لیث صفاری نوشته شده است. اولین آسیابهای بادی جهان، اختراع سیستانیان است.

سیستانیان در مقابل خلفای اموی، سب مولای علی (ع) نکردند و حاضر شدند گیسوان زنانشان را در ملاء عام بتراشند اما ننگ توهین به علی (ع)، آن مرد حق و اندیشه و اولین امام شیعیان جهان را بر دست و پای آزادی و وجدان بیدار خویش نبستند. به گواه تاریخ، پرجمعیت ترین شهر دوران مفرغ، شهر سوخته سیستان بوده است.

اختراع خط معقلی در قرن اول هجری به ابراهیم سجزی و اختراع خط جلیلی در اوایل اسلام به یوسف سگری منسوب است. خواجه معین الدین محمد بن حسن سجزی سرسلسله چشتیه اجمیر هند و از معارف و صاحبان کرامت و تقوا از افتخارات سیستان است که مرتضی مطهری از او به عنوان صاحب کرامت یاد کرده است. اولین سرزمینی که نام مدینه العذرا یا شهری که دروازه هایش به روی هیچ بیگانه ای گشوده نشد، سیستان بود.

اولین دانشمندی که اسطرلاب زورقی را اختراع و زیج مامونی را بنیاد کرد، استاد ابوسعید سجزی، اهل سیستان است.

نخستین رصدخانه های ایرانیان، ازجمله رصدخانه زرتشت در دهانه غلامان سیستان دایر شد. تنها سرزمینی که کوروش هخامنشی به مردمش لقب انصار داد، سرزمینی که محل استقرار و زادگاه بزرگ ترین خاندان ایرانی یعنی خاندان سورن بود و شکوهمندترین پایتختهای ایران در دوران صفاری سیستان است.

اولین تصاویر انیمیشن یا تصاویر متحرک سینما در شهر سوخته متعلق به سیستان است. اولین کوره های ذوب فلز جهان در سیستان فعال بوده است. در چند دهه اخیر نیز ادامه این افتخارات نام سیستانیان را در اوج عزت و احترام قرار داده است که از آن جمله می توان به اولین روحانی برجسته و مجتهد بزرگ سیستان که پرچم انگلیس را در دوره قاجار از فراز سکوه سیستان به زیر کشید و آتش زد یعنی آیت ا... آقا ملا محمد مهدی، عالم روحانی و آگاه سیستان، اولین شهیدان جنگ تحمیلی، اولین جوانان تیر باران شده سیستانی در زندانهای حکومت پهلوی، اولین زندانیان و تبعیدشدگان عصر ستمشاهی یعنی آقای محمد ابراهیم شریفی و حجت الاسلام سید محمدتقی حسینی، اولین خط شکنان جبهه مبارزه با کفر بودند. صدها شهید و آزاده و ایثارگر و جانباز و فدایی امام و انقلاب، به ویژه شهید والامقام، نماینده مردم سیستان در مجلس شورای اسلامی حجت الاسلام حاج آقا سید محمدتقی حسینی طباطبایی و دهها شهید سرافراز دیگر اشاره کرد.

نتیجه گیری

سیستان در قرن اول هجری _ پس از آنکه مسلمین آنرا فتح کردند_ با ولاء و محبت نسبت به اهل بیت (ع) آشنایی نداشت. در قرن دوم همزمان با حکومت امویان (که تشیع در آن ریشه دوانید) مردم با ولاء اهل بیت تا حدی مانوس شدند و مردم سیستان با خبرهایی که از جانب عراق و ظلم امویان نسبت به اهل بیت می رسید، بسیار متأثر می شدند. تشیع در اواخر قرن دوم و قرن سوم - در ثلث اول دوران حکومت بنی عباس و پس از اقامت امام رضا(ع) در خراسان- ظهور خود را در سیستان آغاز کرد .

در قرن چهارم و پنجم و همزمان با آل بویه انتشار یافت؛ و طی مدتی در عهد سلجوقیان گرفتار رکود و توقف گردید ؛ و سرانجام در دوره ی مغولها (از قرن هفتم) دامنه ی تشیع در سیستان رو به گسترش نهاد تا آنکه شاه اسماعیل صفوی در قرن دهم بر حکومت دست یافت ، و از همین قرن بود که تشیع همه ی سرزمین ایران و از جمله سیستان را زیر پوشش خود گرفتک البته باید توجه داشت که سیستان به دو قسمت ؛ سیستان و بلوچستان تقسیم می شود که بلوچستان آن بر اهل سنت خود باقی ماندند.

طلوع یا افول تشیع ؟

«قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» (آیه ۲۴۹ سوره

بقره)

آنها که می دانستند خدا را ملاقات خواهند کرد (و به رستاخیز و وعده های الهی ایمان داشتند) گفتند: چه بسیار گروه های کوچکی که به فرمان خدا بر گروه های عظیمی پیروز شدند و خداوند با صابران (و استقامت کنندگان) همراه است» از میان یک میلیارد و دویست میلیون مسلمان تنها ۱۰ درصد شیعه می باشند.

هم اینک در کشور یمن دولت این کشور به کمک عربستان در حال سرکوب شیعیان می باشد. در مقابل علمای شیعه که شعار وحدت سر میدهند برخی علمای اهل تسنن احکام تکفیری را صادر می کنند و در عراق و پاکستان و افغانستان شیعیان کشته و ترور می شوند.

منابع نفتی عربستان در مناطق شیعه نشین این کشور قرار دارد و دولت عربستان به وسیله چند هزار نیروی نظامی خود از این منطقه حفاظت می کند و نفت این مناطق را استخراج کرده و در جهت برنامه های خود آنها را خرج می کند و مردم شیعه بومی این منطقه از فقر مطلق رنج می برند.

حال نگاهی به کشور خود می اندازیم:

بدلیل قرار گرفتن پایتخت و برخی شهرهای مهم و پرجمعیت ایران در مناطق مرکزی ایران استان هایی مانند سیستان و بلوچستان یا آذربایجان غربی که زمانی جمعیت شیعیان آن بیشتر بود به مناطقی با اکثریت سنی تبدیل می شوند.

منابع و مراجع

- [۱] ر/ک: تاریخ یعقوبی، قم، منشورات الشریف الرضا، ۱۴۱۴ هـ، ج ۲، ص ۱۲۴.
- [۲] اللیثی، مختار، «جهاد الشیعة»، الدكتوراه سمیره، بیروت، دار جبل، ۱۳۹۶ هـ، ص ۲۵.
- [۳] زین عاملی، محمدحسین، «شیعه در تاریخ»، ترجمه محمد رضا عطایی، انتشارات آستان قدس، ۱۳۷۵ هـ، صص ۳۳ و ۳۴، برگرفته از: الفهرست ابن ندیم، ص ۲۴۹.
- [۴] احمد بن محمد ابن عبد ربه اندلسی، «العقد الفريد»، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۹ هـ ج ۲، ص ۲۳۰.
- [۵] محرمی، غلامحسن، «دفاع از حقانیت شیعه»، مؤمنین، ۱۳۷۸، ص ۴۸.
- [۶] زین عاملی، پیشین، ص ۳۴.
- [۷] مظفر، محمدحسین، «تاریخ شیعه»، مکتبه بصیرتی، (بیتا) ص ۹، برگرفته از: خطط الشام، ج ۵، صص ۲۵۱-۲۵۶.
- [۸] زین عاملی، پیشین، ص ۵.
- [۹] محرمی، پیشین، صص ۴۸ و ۴۹.
- [۱۰] ابن اثیر. تاریخ کامل ابن اثیر. ج ۳
- [۱۱] سید عباس اطهر رضوی. شیعه در هند ج اول. ص ۲۲۹
- [۱۲] قاضی منهج سراج جوزجانی. طبقات ناصری ج اول. صص ۳۱۹ - ۳۲۰
- [۱۳] همان منبع. ص ۳۲۳
- [۱۴] محمد باقر مجلسی. بحار الانوار. ج ۴۹. ص ۷۷
- [۱۵] میرزا امام علی بیگ. سند و اهل بیت (ع). ص ۴۵ و ۴۶. (نقل از بحار الانوار مجلسی)
- [۱۶] ابن اثیر. تاریخ کامل ابن اثیر. ج پنجم. صص ۵۹۵ و ۵۹۶
- [۱۷] سید عباس اطهر رضوی. شیعه در هند. صص ۲۳۴ - ۲۳۵
- [۱۸] بهادر لاله هتورام. تاریخ بلوچستان. صص ۸ - ۱۳
- [۱۹] ابراهیم استخری. ممالک و مسالک. ص ۱۶۷
- [۲۰] میر نصیر خان احمد زهی. تاریخ بلوچ و بلوچستان. ص ۱۰ - ۱۳
- [۲۱] همان منبع. ج سوم. ص ۲۰
- [۲۲] همان منبع. ص ۵۵
- [۲۳] همان منبع. ص ۷۴ - ۷۵
- [۲۴] شیعیان پاکستان. محمد اکرم عارفی. ص. موسسه شیعه شناسی. قم ۱۳۸۵
- [۲۵] محمد قاسم فرشته. تاریخ فرشته. ج دوم. ص ۹۰
- [۲۶] همان منبع. ص ۹۱۸
- [۲۷] محمد قاسم فرشته. تاریخ فرشته (نسخه فارسی). ج دوم ص ۱۹۹
- [۲۸] سید عباس اطهر رضوی. شیعه در هند ج اول. ص ۲۳۶
- [۲۹] مان منبع. ص ۲۳۶ - ۲۳۷
- [۳۰] میرزا امام علی بیگ. سند و اهل بیت. ص ۹۰ - ۹۵
- [۳۱] همان منبع. ص ۹۹ - ۱۰۰
- [۳۲] عزیز احمد. تاریخ تفکر اسلامی در هند. ص ۲۸
- [۳۳] محمد قاسم فرشته. تاریخ فرشته. ج دوم ص ۸۸